

پیش‌بینی تمایل به طلاق بر اساس نیاز به عشق و بقا، آگاهی جنسی و کمال‌گرایی جنسی در زوجین متقاضی طلاق

فیض‌اله رحیمی^۱
حمید آتش‌پور^۲
محسن کل‌پرور^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی تمایل به طلاق بر اساس نیاز به عشق و بقا، آگاهی جنسی و کمال‌گرایی جنسی در زوجین متقاضی طلاق بود. این مطالعه مقطعی از نوع همبستگی بود. جامعه پژوهش زوجین متقاضی طلاق شهر اصفهان در سال‌های ۹۸-۱۳۹۷ بودند. نمونه پژوهش ۶۷۰ نفر بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از زیرمقیاس‌های عشق و بقا از مقیاس نیازهای اساسی روان‌شناختی (سالاری و صاحبی، ۱۳۸۳)، مقیاس آگاهی جنسی (اسنل و همکاران، ۱۹۹۱)، زیرمقیاس کمال‌گرایی جنسی از سیاهه باروهای ارتباطی (ایدلسون و اپستاین، ۱۹۸۲) و پرسشنامه محقق‌ساخته تمایل به طلاق استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با مدل همزمان در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که نیاز به عشق و آگاهی جنسی با تمایل به طلاق رابطه منفی و معنادار و کمال‌گرایی جنسی با تمایل به طلاق رابطه مثبت و معنادار داشتند ($P < 0.05$)، اما نیاز به بقا با تمایل به طلاق رابطه معناداری نداشت ($P < 0.05$). همچنین، نیاز به عشق، آگاهی جنسی و کمال‌گرایی جنسی به‌طور معناداری توانستند ۱۳/۳ درصد از تغییرات تمایل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق را پیش‌بینی کنند ($P > 0.05$). با توجه به نتایج، برای کاهش تمایل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق می‌توان به آنها آموزش‌هایی در زمینه نیاز به عشق، آگاهی جنسی و کمال‌گرایی جنسی داد.

واژه‌های کلیدی: تمایل به طلاق، نیاز به عشق، نیاز به بقا، آگاهی جنسی، کمال‌گرایی جنسی

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
۲. دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
hamidatashpour@gmail.com
۳. دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

مقدمه

انسان در زندگی خود مقاطع و مراحل حساسی را پشت سر می‌گذارد و یکی از مراحل حساس و سرنوشت‌ساز مساله ازدواج و تشکیل زندگی مشترک است و مهم‌تر از آن تلاش هر یک از زوجین برای حفظ این زندگی مشترک است تا در سایه آن بتوانند به اهداف مورد نظر دست یابند (محنایی، گلستانه، پولادی ری‌شهری و کیخسروانی، ۱۳۹۸). خانواده یک نهاد اجتماعی اولیه و حیاتی است که هم سلامت فرد و خانواده و هم بقای جامعه را تضمین می‌کند و هیچ جامعه‌ای بدون داشتن نظام خانواده سالم نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد (استوکبیک، ایورسن، هالکیم و نیس^۱، ۲۰۱۹). امروزه گسترش روزافزون آمار طلاق و ازدواج‌های شکست‌خورده به‌عنوان یک پدیده اجتماعی نشان می‌دهد که طلاق^۲ یک شوک عاطفی بزرگ در بزرگ‌سالی است و دارای آثار زیان‌باری از جمله سرخوردگی اجتماعی، افسردگی، احساس یأس، انزواگزینی و احساس تنهایی می‌باشد (صمدی کاشان، جعفری، محمدپور و قاسم‌زاده، ۱۳۹۷). یکی از مفاهیم مرتبط با طلاق، تمایل به طلاق^۳ است که حاکی از تمایل و گرایش هر یک از زوجین به پایان دادن به زندگی مشترک می‌باشد (کولاردیو و اهرنبرگ^۴، ۲۰۱۶). یکی از عواملی که می‌تواند با تمایل به طلاق مرتبط باشد، نیازهای اساسی روانشناختی^۵ است که رضایت از ارضای آنها تأثیری مثبت بر احساس‌ها و هیجان‌ها در زندگی دارد (یین و زنگ^۶، ۲۰۲۰). نیاز به بقا در تمام جانداران از جمله به‌طور ژنتیک طراحی شده، اما در انسان به‌عنوان کامل‌ترین جاندار چهار نیاز دیگر به نام‌های عشق، قدرت، آزادی و تفریح وجود دارد (تاورنیئر، هیل و آدرین^۷، ۲۰۱۹). از نیازهای مرتبط با تمایل به طلاق می‌توان به عشق و بقا اشاره کرد. نیاز به عشق مهم‌ترین نیاز انسان است و تحقق چهار نیاز دیگر به آن وابسته می‌باشد. انسان تمایل دارد که دوست داشته باشد و دوست داشته شود که این نیاز رد یک بافت اجتماعی و در روابط با دیگران رخ می‌دهد. نیاز به بقا در همه موجودات زنده مشترک است و به تمایل جانداران برای زنده ماندن و داشتن پایگاهی امن در جهان اشاره دارد. نیاز به بقا در انسان با سایر جانداران متفاوت است؛ به‌طوری که این نیاز در انسان هم غریزی و هم غیرغریزی است و علاوه بر آن ارضای نیاز به بقا در انسان معمولاً در روابط بین‌فردی و اجتماعی صورت می‌گیرد (ژی، وانگ، وانگ، ژائو و لی^۸، ۲۰۱۸). یکی دیگر از عوامل مرتبط با تمایل به طلاق، آگاهی جنسی^۹ است (پاپاداکاکی، پلیوری، واگیوناکی، پاپادومانولاکیز، اندرولاکی، تسیریتاس و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۹). در روابط زناشویی آگاهی از مسائل جنسی توسط هر یک از زوجین برای ایجاد رابطه جنسی صحیح و ثمربخش اهمیت و جایگاه خاصی دارد (اسنل، فیشر و میلر^{۱۱}، ۱۹۹۱). آگاهی جنسی به معنای مجموع دانش‌ها، اطلاعات، معلومات و آگاهی‌های فرد درباره جنسیت و مسائل جنسی در جنبه‌های فیزیولوژیکی، تولید مثل، عملکرد و رفتار

1. Stokkebekk, Iversen, Hollekim & Ness
2. divorce
3. divorce tendency
4. Collardeau & Ehrenberg
5. basic psychological needs
6. Yin & Zeng
7. Tavernier, Hill & Adrien
8. Xie, Wang, Wang, Zhao & Lei
9. sexual awareness
10. Papadakaki, Plevri, Vagionaki, Papadomanolakis, Androulaki, Tsiritas & et al
11. Snell, Fisher & Miller

جنسی فردی و بین‌فردی می‌باشد (هاناه و استگ^۱، ۲۰۱۶). دانش و آگاهی فرد نسبت به مسائل جنسی بسیار مهم است و می‌تواند بر همه ارتباطات و تعاملات زندگی زوجین تاثیر بگذارد (گادکاری، سومانی، نایاک و گیری^۲، ۲۰۱۲). از دیگر عوامل مرتبط با تمایل به طلاق می‌توان به کمال‌گرایی جنسی^۳ اشاره کرد (کلاک، هاگس و ژوژا^۴، ۲۰۱۸). کمال‌گرایی معمولاً به تمایل فرد برای وضع معیارهای کامل و دست‌نیافتنی و تلاش برای تحقق آنها اشاره دارد که با خودارزشیابی انتقادی از عملکرد شخصی همراه است (مکینان، ری، فرث و اکانور^۵، ۲۰۱۹). به‌طور کلی دو نوع کمال‌گرایی مثبت و منفی وجود دارد. کمال‌گرایی مثبت به شناخت‌ها و رفتارهایی اطلاق می‌شود که هدفشان کسب موفقیت و پیشرفت‌های سطح بالا جهت دستیابی به پیامدهای مثبت است و با سبک‌های مقابله‌ای فعال و موثر، اعتماد به نفس بالا، سلامت روان و عاطفه مثبت همراه می‌باشد. کمال‌گرایی منفی به شناخت‌ها و رفتارهایی اطلاق می‌شود که هدفشان کسب موفقیت و پیشرفت‌های سطح بالا جهت اجتناب یا فرار از پیامدهای منفی است و با سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمدی، اعتماد به نفس پایین و عاطفه منفی همراه می‌باشد (دیویس، ابنی، پریکسلیس، اشون و دان^۶، ۲۰۱۸). کمال‌گرایی جنسی یکی از خرده‌مقیاس‌های باورهای ارتباطی است. باورهای ارتباطی عقیده یا ذهنیتی است که زوجین نسبت به ارتباط زناشویی خود دارند و آن را به‌عنوان یک واقعیت پذیرفتند (استوبر و هاروی^۷، ۲۰۱۶). با اینکه پژوهش‌های بسیاری درباره طلاق شده، اما پژوهش‌های اندکی به بررسی روابط متغیرها با تمایل به طلاق پرداختند. برای مثال نتایج پژوهش نائی (۲۰۱۸) نشان داد که بین رضایت از ارضای نیازهای اساسی روانشناختی با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود داشت. ارسینگواک و بابیک^۸ (۲۰۱۵) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که نیازهای اساسی روانشناختی با نگرش‌ها و انتظارهای مرتبط با ازدواج رابطه معنادار دارند. در پژوهشی دیگر زارعی، مرقاتی خویی، تاکت، رحمانی و اسمیت^۹ (۲۰۱۳) گزارش کردند که طلاق باعث کاهش بهزیستی جنسی زنان می‌شود. نتایج پژوهش خدابخشی کولایی، ادیبراد و صالح صدق‌راد (۲۰۰۹) نشان داد که میزان کمال‌گرایی جنسی در زوجین متقاضی طلاق در مقایسه با زوجینی که تمایل دارند زندگی زناشویی خود را ادامه دهند، کمتر است. همچنین، رحیمی، آتش‌پور و گل‌پرور (۱۳۹۸) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که نیازهای اساسی روانشناختی با تمایل به طلاق رابطه معنادار داشت و توانست آن را پیش‌بینی کند. نتایج پژوهش خان‌محمدی، بزازیان، امیری‌مجد و قمری (۱۳۹۷) نشان داد که ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی با طلاق عاطفی رابطه منفی و معنادار داشت. در پژوهشی دیگر نامی‌پس‌ویشه و مظلومین (۱۳۹۶) گزارش کردند که میزان آگاهی جنسی مردان و زنان متقاضی طلاق از مردان و زنان عادی پایین‌تر است. علاوه بر آن، مومنی و آزادی‌فرد (۱۳۹۴) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که دانش و آگاهی جنسی، نگرش جنسی و کمال‌گرایی جنسی با طلاق عاطفی رابطه منفی و

1. Hannah & Stag
2. Gadkari, Somani, Nayak & Giri
3. sexual perfectionism
4. Kluck, Hughes & Zhuzha
5. Mackinnon, Ray, Firth & O'Connor
6. Davis, Abney, Perekslis, Eshun & Dunn
7. Stoeber & Harvey
8. Ercegovac & Bubic
9. Zarei, Merghati Khoei, Taket, Rahmani & Smith

معنادار داشت. در پژوهشی دیگر شهرستانی، دوستکام، رهباردار و مشهدی (۱۳۹۱) گزارش کردند که کمال‌گرایی جنسی با رضایتمندی زناشویی رابطه معنادار داشت. شایسته، صاحبی و علیپور (۱۳۸۵) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که کمال‌گرایی جنسی با رضایتمندی زناشویی زنان، مردان و کل زوجین رابطه منفی و معنادار داشت.

با توجه به آمار بالا و روزافزون طلاق و افزایش تمایل زوجین به طلاق در مقایسه با سال‌های گذشته و از آنجایی که داشتن جامعه سالم در گرو داشتن خانواده سالم است، لذا باید عوامل مرتبط با تمایل به طلاق را شناسایی و بر اساس آنها برنامه‌هایی برای کاهش طلاق و تمایل به آن طراحی و اجرا کرد. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه درباره طلاق پژوهش‌های بسیاری انجام شده، اما پژوهش‌های بسیار اندکی درباره تمایل به طلاق انجام شده است. علاوه بر آن یکی از خلأهای پژوهشی گذشته عدم توجه به نقش نیاز به عشق و بقا، آگاهی جنسی و کمال‌گرایی جنسی در پیش‌بینی تمایل به طلاق است. با توجه به مفاهیم مطرح‌شده پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا نیاز به عشق و بقا، آگاهی جنسی و کمال‌گرایی جنسی توانایی پیش‌بینی تمایل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق را دارند؟

روش پژوهش

این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا مقطعی از نوع همبستگی بود. جامعه پژوهش زوجین متقاضی طلاق شهر اصفهان در سال‌های ۹۸-۱۳۹۷ بودند. نمونه پژوهش ۶۷۰ نفر بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در این روش نمونه‌گیری، پژوهشگر تعداد ۶۷۰ نفر از افراد متقاضی طلاق که به آنها دسترسی داشت را به‌عنوان نمونه انتخاب کرد. برای انجام این پژوهش پس از تصویب پروپوزال انجام هماهنگی‌های لازم با دادگستری و دفاتر هشت‌گانه خدمات الکترونیکی قضایی به‌صورت سرشماری هر ۳۳ مرکز خدمات مشاوره و روانشناختی طرف قرارداد با دادگستری انتخاب و پس از هماهنگی‌های لازم با مسئولین فنی مراکز از آنان خواسته شد تا زوجین متقاضی طلاق را به پژوهشگر معرفی نمایند. زوجین متقاضی طلاق پس از شنیدن رعایت نکات اخلاقی در پژوهش از جمله رازداری، محرمانه‌ماندن اطلاعات شخصی، تحلیل داده‌ها به‌صورت کلی، بی‌نام بودن پرسشنامه‌ها، در صورت تمایل به شرکت در پژوهش به‌عنوان نمونه انتخاب و علاوه بر فرم جمعیت‌شناختی شامل جنسیت، سن و تحصیلات به ابزارهای زیر پاسخ دادند.

مقیاس نیازهای اساسی روان‌شناختی^۱: این مقیاس توسط سالاری و صاحبی (۱۳۸۴) با ۳۵ گویه و پنج زیرمقیاس نیازهای بقا، عشق، قدرت، آزادی و تفریح (هر زیرمقیاس ۷ گویه) طراحی که در این پژوهش از دو زیرمقیاس عشق و بقا استفاده شد. گویه‌ها به‌صورت طیف پنج درجه‌ای لیکرت از یک تا پنج نمره‌گذاری و نمره هر زیرمقیاس با مجموع نمره گویه‌های آن زیرمقیاس بدست می‌آید، لذا دامنه نمرات هر زیرمقیاس ۷ الی ۳۵ و نمره بیشتر نشان‌دهنده بیشتر داشتن آن ویژگی است (به نقل از معارف، رضاییان فرجی، خسروی و بانسی، ۱۳۹۸). دارابی (۱۳۹۴) روایی سازه ابزار را با روش تحلیل عاملی تایید و پایایی آن را برای زیرمقیاس‌های عشق و بقا با روش آلفای کرونباخ به‌ترتیب در پسران ۰/۸۱ و ۰/۶۹ و در دختران ۰/۷۸ و ۰/۶۲ گزارش کرد (به نقل از معارف و همکاران، ۱۳۹۸). در این پژوهش پایایی برای زیرمقیاس‌های عشق و بقا با روش آلفای کرونباخ به‌ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۶۴ بدست آمد.

1. basic psychological needs scale

مقیاس آگاهی جنسی^۱: این مقیاس توسط اسنل و همکاران (۱۹۹۱) با ۳۶ گویه طراحی شد که ۱۱ گویه آن به‌منظور پنهان ماندن هدف آزمون طراحی شده و در نمره‌گذاری لحاظ نمی‌گردد. گویه‌ها به‌صورت طیف پنج درجه‌ای لیکرت از صفر تا چهار نمره‌گذاری و نمره مقیاس با مجموع نمره گویه‌ها بدست می‌آید، لذا دامنه نمرات ۲۵ الی ۱۲۵ و نمره بیشتر نشان‌دهنده آگاهی جنسی بیشتر است. اسنل و همکاران (۱۹۹۱) روایی سازه ابزار را با روش تحلیل عاملی تایید و پایایی آن را برای کل مقیاس و زیرمقیاس‌های آن با روش آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۸۰ گزارش کرد. همچنین، نصیری و بشردوست (۱۳۹۷) روایی سازه ابزار را با روش تحلیل عاملی تایید و پایایی آن را برای کل مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ گزارش کردند. در این پژوهش پایایی مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ بدست آمد.

سیاهه باورهای ارتباطی^۲: این سیاهه توسط ایدلسون و اپستاین^۳ (۱۹۸۲) با ۴۰ گویه و پنج زیرمقیاس باور به تخریب‌گری مخالف، باور به عدم تغییرپذیری همسر، توقع ذهن‌خوانی، کمال‌گرایی جنسی و باور درباره تفاوت‌های جنسیتی (هر زیرمقیاس ۸ گویه) طراحی که در این پژوهش از کمال‌گرایی جنسی استفاده شد. گویه‌ها به‌صورت طیف شش درجه‌ای لیکرت از صفر تا پنج نمره‌گذاری و نمره کمال‌گرایی جنسی با مجموع نمره گویه‌های آن بدست می‌آید، لذا دامنه نمرات کمال‌گرایی جنسی ۰ الی ۴۰ و نمره بیشتر نشان‌دهنده کمال‌گرایی جنسی غیرمنطقی بیشتر است. ایدلسون و اپستاین (۱۹۸۲) روایی سازه ابزار را با روش تحلیل عاملی تایید و پایایی آن را برای کل مقیاس و زیرمقیاس‌های آن با روش آلفای در دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ گزارش کردند. همچنین، شایسته و همکاران (۱۳۸۵) پایایی کمال‌گرایی جنسی را با روش آلفای کرونباخ ۰/۶۳ گزارش کردند. در این پژوهش پایایی مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۲ بدست آمد.

پرسشنامه تمایل به طلاق^۴: این مقیاس توسط پژوهشگران با ۵ گویه طراحی شد. گویه‌ها به‌صورت طیف هفت درجه‌ای لیکرت از یک تا هفت نمره‌گذاری و نمره پرسشنامه با مجموع نمره گویه‌ها بدست می‌آید، لذا دامنه نمرات ۵ الی ۳۵ و نمره بیشتر نشان‌دهنده تمایل بیشتر به طلاق است. روایی صوری و محتوایی آن با نظر متخصصان تایید و پایایی آن با روش آلفای ۰/۹۲ بدست آمد. داده‌ها پس از جمع‌آوری با ابزارهای فوق و ورود به نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ با روش‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با مدل همزمان تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش

شرکت‌کنندگان ۶۷۰ نفر بودند که ۳۰۸ نفر مرد (۴۵/۹۷ درصد) و ۳۶۲ نفر زن (۵۴/۰۳ درصد) در این پژوهش شرکت داشتند. همچنین، سن ۴۵ نفر زیر ۲۱ سال (۶/۷۲ درصد)، ۲۵۰ نفر ۲۱-۳۰ سال (۳۷/۳۱ درصد)، ۲۱۶ نفر ۳۱-۴۰ سال (۳۲/۲۴ درصد)، ۱۲۴ نفر ۴۱-۵۰ سال (۱۸/۵۱ درصد) و ۳۵ نفر بالاتر از ۵۰ سال (۵/۲۲ درصد) بود. علاوه بر آن، تحصیلات ۱۸ نفر ابتدایی (۲/۶۹ درصد)، ۱۰۲ نفر سیکل (۱۵/۲۲ درصد)، ۲۶۵ نفر دیپلم (۳۹/۵۵ درصد)، ۲۳۶ نفر کارشناسی (۳۵/۲۲ درصد) و ۴۹ نفر بالاتر از کارشناسی (۷/۳۱ درصد) بود. نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که نیاز به عشق و آگاهی

1. sexual awareness scale
2. relationship beliefs inventory
3. Edelson & Epstein
4. divorce tendency questionnaire

جنسی با تمایل به طلاق رابطه منفی و معنادار و کمال‌گرایی جنسی با تمایل به طلاق رابطه مثبت و معنادار دارد ($P > 0/05$)، اما نیاز به بقا با تمایل به طلاق رابطه معناداری ندارد ($P < 0/05$).

جدول ۱. نتایج میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در زوجین متقاضی طلاق

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵
۱. نیاز به عشق	۱۷/۲۴	۳/۲۸	۱				
۲. نیاز به بقا	۱۹/۱۱	۳/۱۹	۰/۵۹**	۱			
۳. آگاهی جنسی	۵۶/۳۸	۷/۴۴	۰/۲۰**	۰/۱۷**	۱		
۴. کمال‌گرایی جنسی	۱۴/۲۵	۲/۲۰	۰/۲۵**	۰/۲۶**	-۰/۲۰**	۱	
۵. تمایل به طلاق	۲۱/۳۶	۳/۱۵	-۰/۱۱*	۰/۰۷	-۰/۱۲*	۰/۱۹**	۱

* $P > 0/01$

نتایج بررسی مفروضه‌های رگرسیون چندگانه نشان داد که فرض نرمال بودن بر اساس مقدار کجی و کشیدگی به دلیل وجود مقادیر در دامنه +۱ تا -۱ تایید شد. فرض هم‌خطی چندگانه بر اساس مقادیر عامل تورم واریانس به دلیل کوچک‌تر از ۱۰ بودن رد شد. فرض همبستگی باقی‌مانده‌ها بر اساس مقادیر دوربین واتسون به دلیل قرارداشتن در دامنه ۱/۵ تا ۲/۵ رد شد. بنابراین، شرایط استفاده از رگرسیون چندگانه وجود دارد. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که نیاز به عشق، آگاهی جنسی و کمال‌گرایی جنسی به‌طور معناداری توانستند ۱۳/۳ درصد از تغییرات تمایل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق را پیش‌بینی کنند ($P > 0/05$).

جدول ۲. نتایج رگرسیون چندگانه با مدل همزمان برای پیش‌بینی تمایل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق

متغیرهای پیش‌بین	r	r ^۲	df	آماره f	معناداری	Beta	معناداری
نیاز به عشق	۰/۳۶۵	۱۳/۳	۳ ۶۶۶	۱۷/۲۹	۰/۰۰۱	-۰/۱۷	۰/۰۰۵
آگاهی جنسی						-۰/۱۸	۰/۰۰۵
کمال‌گرایی جنسی						۰/۲۴	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

آمار طلاق و تمایل به طلاق به سرعت در حال افزایش است و از آنجایی که سلامت جامعه در گرو سلامت خانواده است، پژوهش با هدف پیش‌بینی تمایل به طلاق بر اساس نیاز به عشق و بقا، آگاهی جنسی و کمال‌گرایی جنسی در زوجین متقاضی طلاق انجام شد.

یافته‌ها نشان داد که نیاز به عشق با تمایل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق رابطه منفی و معنادار داشت، اما نیاز به بقا با آن رابطه معناداری نداشت. این یافته از جهاتی با یافته پژوهش‌های نائمی (۲۰۱۸)، ارسنگوواک و بابیک (۲۰۱۵)، رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) و خان‌محمدی و همکاران (۱۳۹۷) همسو بود. در تشریح این نتایج بر مبنای پژوهش وزیری (۱۳۹۴) می‌توان گفت که در انسان اجتماعی امروزی، غالباً نیاز به عشق و تعلق مهم‌ترین نیاز است. در واقع تحقق مطلوب چهار نیاز دیگر نیز به نوعی در سایه آن اتفاق می‌افتد. زیرا تحقق تمام نیازهای اساسی تنها در یک بافت اجتماعی

و در رابطه با دیگران امکان‌پذیر خواهد بود. به عبارت دیگر تغذیه روانی فرد در سایه این نیاز تأمین می‌شود. به همین خاطر در نظریه نیازهای اساسی روان‌شناختی عقیده بر این است فردی که در درازمدت نتوانسته باشد روابط محبت‌آمیز و توأم با عشق، محبت و احساس تعلف را تجربه کند بدون شک دچار عوارض و علائم روانشناختی خواهد شد. در نتیجه منطقی است که با افزایش نیاز به عشق میزان تمایل به طلاق کاهش یابد. در مقابل نیاز به بقا در انسان و همه موجودات دیگر یکسان است و به نظر می‌رسد که نیاز به بقا نیز از یک سو در جامعه و از سوی دیگر به صورت فردی تحقق می‌یابد و از آنجایی که نمونه پژوهش از نظر امکانات اولیه زندگی مشکل حادی نداشتند، لذا می‌توان انتظار داشت که آنان در بعد اجتماعی نیاز به بقا ضعیف، اما در بعد شخصی و فردی آن در حد مناسبی بودند و به همین خاطر بین نیاز به بقا و تمایل به طلاق رابطه معناداری یافت نشد.

همچنین، یافته‌ها نشان داد که آگاهی جنسی با تمایل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق رابطه منفی و معنادار داشت. این یافته از جهاتی با یافته پژوهش‌های زارعی و همکاران (۲۰۱۳)، نامی پس‌ویشه و مظلومی (۱۳۹۶) و مومنی و آزادی‌فرد (۱۳۹۴) همسو بود. در تشریح این نتایج بر مبنای پژوهش مومنی و آزادی‌فرد (۱۳۹۴) می‌توان گفت که دانش، آگاهی و شناخت فرد می‌تواند به ادراک و توانایی وی برای حل مشکلات بینجامد. دانش و آگاهی جنسی زوجین نیز لذت و بهبود رابطه زناشویی و عاطفی بین آنها را در پی دارد. اگر زوجین در زندگی خود شناخت بیشتری نسبت به این بعد مهم رابطه داشته باشند، قادر خواهند بود که شیوه‌های ارتباطی خود را تغییر دهند و آنها را بهبود بخشند. ناآگاهی و کمبود دانش جنسی و کسب اطلاعات نادرست درباره رابطه جنسی منجر به افزایش تعارضات و آسیب‌های جنسی زوجین می‌شود. در نتیجه با افزایش آگاهی جنسی میزان تمایل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق کاهش می‌یابد.

علاوه بر آن، یافته‌ها نشان داد که کمال‌گرایی جنسی با تمایل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق رابطه مثبت و معنادار داشت. این یافته از جهاتی با یافته پژوهش‌های خدابخشی کولایی و همکاران (۲۰۰۹)، مومنی و آزادی‌فرد (۱۳۹۴)، شهرستانی و همکاران (۱۳۹۱) و شایسته و همکاران (۱۳۸۵) همسو بود. در تشریح این نتایج بر مبنای پژوهش شهرستانی و همکاران (۱۳۹۱) می‌توان گفت که کمال‌گرایی جنسی به این باور اشاره دارد که چنانچه همسری در رابطه جنسی خود عالی نباشد، ناکام و شکست خورده است و این باور ریشه در حکم‌کنندگی دارد. افراد دارای کمال‌گرایی جنسی با این باور و تصور ذهنی خود حکم می‌کنند که باید از نظر جنسی کامل و بدون نقص باشند تا مورد پذیرش همسر خود قرار گیرند. تحریف شناختی که در این باور وجود دارد تفکر دو مقوله‌ای است که اگر همسری در رابطه زناشویی عالی نباشد، ناکام و شکست خورده است. در نتیجه این باور میزان رضایت زوجین را از زندگی زناشویی کاهش و نارضایتی از زندگی زناشویی را به نقص در برقراری رابطه جنسی مطلوب نسبت می‌دهند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که افزایش نمره کمال‌گرایی جنسی باعث افزایش تمایل به طلاق در زوجین متقاضی شود.

دیگر یافته‌ها نشان داد که نیاز به عشق، آگاهی جنسی و کمال‌گرایی جنسی به‌طور معناداری توانستند تمایل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق را پیش‌بینی کنند. در تشریح این نتایج می‌توان گفت که نیاز به عشق یکی از نیازهای اساسی انسان است که نقش مهمی در سلامت روان و کیفیت زندگی دارد، آگاهی جنسی از طریق شناخت صحیح جوانب نیازهای جنسی خود و همسر باعث بهبود کیفیت روابط جنسی و روابط زناشویی می‌شود که این عوامل نیز نقش مهمی در سلامت روان و کیفیت زندگی دارند و کمال‌گرایی جنسی نیز به باور کامل بودن خود و همسر از نظر جنسی در

روابط جنسی زناشویی می‌باشد و پایین بودن نمره این سازه نیز نقش موثری در ارتقای سلامت روان و کیفیت زندگی دارد. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که افزایش نیاز به عشق و آگاهی جنسی و کاهش کمال‌گرایی جنسی از طریق بهبود سلامت روان و کیفیت زندگی زوجین باعث کاهش معنادار تمایل به طلاق در آنان شوند. در نتیجه، متغیرهای نیاز به عشق، آگاهی جنسی و کمال‌گرایی جنسی می‌توانند نقش معناداری در پیش‌بینی تمایل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق داشته باشند.

از محدودیت‌های مهم پژوهش حاضر می‌توان به عدم وجود ابزاری استاندارد و مناسب برای بررسی تمایل به طلاق، استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و محدود شدن جامعه پژوهش به زوجین متقاضی طلاق شهر اصفهان اشاره کرد. در نتیجه در تعمیم و استفاده از نتایج باید محدودیت‌ها لحاظ گردد و بر اساس آنها توصیه می‌شود که پژوهشگران اقدام به ساخت ابزارهایی استاندارد برای ارزیابی تمایل به طلاق کنند و این ابزار را در کل کشور و گروه‌های مختلف هنجار نمایند. پیشنهاد دیگر انجام این پژوهش بر روی زوجین متقاضی طلاق سایر شهرها و سایر زوجین مثل زوجین دارای مشکلات ناباروری، زوجین مبتلا به سرطان و حتی زوجین سالم‌کنند و نتایج آن را با نتایج این پژوهش مقایسه نمایند. بر اساس نتایج توصیه می‌شود که متخصصان سلامت، مشاوران، روان‌شناسان و درمانگران طرف قرارداد با دادگستری و حتی مشاوران، روان‌شناسان و درمانگران سایر مراکز و کلینیک‌های خدمات روانشناختی نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه را مد نظر قرار دهند و برای کاهش تمایل به طلاق در زوجین متقاضی طلاق به آنها آموزش‌هایی در زمینه نیاز به عشق، آگاهی جنسی و کمال‌گرایی جنسی دهند.

منابع

- خان‌محمدی، ذبیح‌اله؛ بزازیان، سعیده؛ امیری‌مجد، مجتبی و قمری، محمد. (۱۳۹۷). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس نیازهای بنیادین روانشناختی، انتظارات زناشویی و عملکرد خانواده. *مجله روان‌شناسی خانواده*، ۵(۱)، ۱۷-۳۰.
- رحیمی، فیض‌اله؛ آتش‌پور، حمید و گل‌پرور، محسن. (۱۳۹۸). پیش‌بینی تمایل به طلاق بر اساس باورهای فردی شخصیت، نیازهای اساسی و تله‌های زندگی زوج‌های متقاضی طلاق. *مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۲۰(۲)، ۱۳-۲۳.
- شایسته، گلناز؛ صاحبی، علی و علیپور، احمد. (۱۳۸۵). بررسی رابطه رضایت‌مندی زناشویی با باورهای ارتباطی و انتظارات غیرمنطقی زوجین. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۲(۷)، ۲۲۳-۲۳۸.
- شهرستانی، ملیحه؛ دوستکام، محسن؛ رهبان‌دار، حمید و مشهدی، علی. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت‌مندی زناشویی از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر مشهد. *فصلنامه زن و فرهنگ*، ۴(۱۴)، ۹-۱۷.
- صمدی‌کاشان، سحر؛ جعفری، فاطمه؛ محمودپور، عبدالباسط و قاسم‌زاده، سوگند. (۱۳۹۷). پیش‌بینی گرایش به طلاق و احساس تنهایی بر اساس سبک‌های دلبستگی با توجه به نقش میانجی‌گری خودمتمایزسازی. *مجله پژوهش‌های مشاوره*، ۱۷(۶۸)، ۱۲۸-۱۵۱.
- محناپی، ستاره؛ گلستانه، سیدموسی؛ پولادی‌ری‌شهری، علی و کیخسروانی، مولود. (۱۳۹۸). اثربخشی زوج‌درمانی به روش طرح‌حواره درمانی یانگ بر سازگاری زناشویی و طلاق عاطفی در زوجین متقاضی طلاق شهر بوشهر. *مجله روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۳(۵۱)، ۱۰۹-۱۱۸.
- معارف، منا؛ رضاییان فرجی، حمید؛ خسروی، زهره و بانوشی، علیرضا. (۱۳۹۸). ساخت و درستی آزمایی

مقیاس زناشویی سنجش نیازهای اساسی. مجله علوم روان‌شناختی، ۱۸(۷۹)، ۷۷۳-۷۸۳.
 مومنی، خدامراد و آزادی‌فرد، صدیقه. (۱۳۹۴). رابطه دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی. دوفصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، ۱(۲)، ۳۴-۴۵.
 نامی‌پس‌ویشه، حمیده و مظلومین، مهسا. (۱۳۹۶). مقایسه آگاهی جنسی، رضایت جنسی و سازگاری زناشویی در مردان و زنان متقاضی طلاق در تهران. اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ آسیب‌شناسی روانی و تربیت، تهران: دانشگاه الزهرا، ۱۵۷-۱۶۶.
 نصیری، محبوبه و بشردوست، سیمین. (۱۳۹۷). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خودآگاهی جنسی. فصلنامه روان‌سنجی، ۷(۲۷)، ۵۵-۶۸.
 وزیری، مزده. (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجها بر اساس نیازهای اساسی آنها. مجله رویش روان‌شناسی، ۴(۱۲)، ۸۷-۹۶.

- Collardeau, F., & Ehrenberg, M. (2016). Parental divorce and attitudes and feelings toward marriage and divorce in emerging adulthood: New insights from a multiway-frequency analysis. *Journal of European Psychology Students*, 7(1), 24-33.
- Davis, W. E., Abney, S., Perekslis, S., Eshun, S., & Dunn, R. (2018). Multidimensional perfectionism and perceptions of potential relationship partners. *Personality and Individual Differences*, 127, 31-38.
- Eidelson, R. J., & Epstien, N. (1982). Cognitive and relationship of adjustment development of a measure of dysfunctional relationship belief. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 50(5), 715-20.
- Ercegovac, I. R., & Bubic, A. (2015). Basic psychological needs predict participants' attitudes and expectations towards marriage. *Nordic Psychology*, 68(2), 1-14.
- Gadkari, R. P., Somani, G., Nayak, C., & Giri, A. S. (2012). A study for sexual health awareness in adolescent population (13-18 years) attending dermatology OPD. *Indian Journal of sexually Transmitted Diseases and AIDS*, 33(2), 148-149.
- Hannah, L. A., & Stagg, S. D. (2016). Experiences of sex education and sexual awareness in young adults with autism spectrum disorder. *J Autism Dev Disord*, 46(12), 3678-3687.
- Khodabakhsi Koolae, A., Adibrad, N., & Saleh Sedghpoor, B. (2009). The comparison of relationship beliefs and couples burnout in women who apply for divorce and women who want to continue their marital life. *Iranian Journal of Psychiatry*, 5(1), 35-39.
- Kluck, A. S., Hughes, K., & Zhuzha, K. (2018). Sexual perfectionism and women's sexual assertiveness: Understanding the unique effects of perfectionistic expectations about sex originating from and directed toward the sexual partner. *Sex Roles*, 79, 715-725.
- Mackinnon, S. P., Ray, C. M., Firth, S. M., & O'Connor, R. M. (2019). Perfectionism, negative motives for drinking, and alcohol-related problems: A 21-day diary study. *Journal of Research in Personality*, 78, 177-188.
- Naemi, A. M. (2018). Relationship between basic psychological needs satisfaction with resilience and marital satisfaction in teachers. *International Journal of Educational & Psychological Researches*, 4(2), 78-83.
- Papadakaki, M., Plevri, M., Vagionaki, K., Papadomanolakis, G., Androulaki, R., Tsiritas, G., & et al. (2019). Raising young people's awareness on sexual and reproductive health

- issues . *European Journal of Public Health*, 29(4), 445-446.
- Snell, W. E., Fisher, T. D., & Miller, R. S. (1991). Development of the sexual awareness questionnaire: Components, reliability, and validity. *Annals of Sex Research*, 4(1), 65-92.
- Stoeber, J., & Harvey, L. N. (2016). Multidimensional sexual perfectionism and female sexual function: A longitudinal investigation. *Archives of Sexual Behavior*, 45(8), 2003-2014.
- Stokkebekk, J., Iversen, A. C., Hollekim, R., & Ness, O. (2019). "Keeping balance", "Keeping distance" and "Keeping on with life": Child positions in divorced families with prolonged conflicts. *Children and Youth Services Review*, 102, 108-119.
- Tavernier, R., Hill, G. C., & Adrien, T. V. (2019). Be well, sleep well: An examination of directionality between basic psychological needs and subjective sleep among emerging adults at university. *Sleep Health*, 5(3), 288-297.
- Xie, X., Wang, Y., Wang, P., Zhao, F., & Lei, L. (2018). Basic psychological needs satisfaction and fear of missing out: Friend support moderated the mediating effect of individual relative deprivation. *Psychiatry Research*, 268, 223-228.
- Yin, X., & Zeng, L. (2020). A study on the psychological needs of nurses caring for patients with coronavirus disease 2019 from the perspective of the existence, relatedness, and growth theory. *International Journal of Nursing Sciences*, 7(2), 157-160.
- Zarei, F., Merghati Khoei, E., Taket, A. R., Rahmani, A., & Smith, T. G. (2013). How does divorce affect Iranian women's sexual well-being? *Journal of Divorce & Remarriage*, 54(5), 381-392.